

سیر تحولات مفاهیم و پژوهش‌های

ناحیه‌ای در جغرافیا

دکتر اصغر نظریان دانشگاه تربیت معلم قسمت دوم

از ناحیه به سازمان‌بخشی روستا و بخش‌های اطراف می‌پرداختند. بدین ترتیب بین ویژگی‌های ناحیه و بزرگترین شهر آن یک نوع وابستگی و پیوستگی داخلی وجود داشت و شهر همه امتیازات ممکن و عملی را در خود متمرکز می‌کرد که بدان وسیله و با ویژگی‌های خاص ناحیه‌ای خود از نواحی اطراف بدون وابستگی اساسی و روابط اجتماعی - اقتصادی متناهی می‌گردید. در صورتی که سیستم ناحیه‌ای از این اشل تجاوز می‌کند، مفهوم شبکه شهری خود را در یک مفهوم فضای ناحیه‌ای - شده نشان می‌دهد که از مراکز متعدد تشکیل یافته است و شبکه‌های پیچیده اقتصادی - اجتماعی بر این سیستم حکمفرماست.

به طور کلی نواحی پولاریزه شبکه شهری یا ناحیه‌ای یک سیستم فضایی هستند که می‌توان حدود تحول آنها را ترسیم کرد و شبکه یا سیستمی است که شعاع عملی و جاذبه‌های مرکز اصلی و مراکز پیرامونی حدود آن را با طیف‌های تاریک و روشن نشان می‌دهد. امروز سلسله پولاریزاسیون مفهوم گذشته خود را که عبارت از تمرکز مجموعه قدرتها در یک مرکز و از اعتبار و حیز انتفاع انداختن نواحی پیرامونی بود از دست داده است و به مفهوم یک سیستم، که در آن هر یک از اجزاء تشکیل‌دهنده، بهره‌ها و بنیادهای تشکیلاتی این سیستم را تشکیل می‌دهند، تجلی می‌نماید. هر یک از اجزاء سیستم نقش خاصی را در داخل این سیستم بر مپسده دارند، ولی به طور کلی مرکز اصلی یا نقطه ثقل از قدرت و اعتبار بیشتری برخوردار است و حالت محوری دارد.

اصولا" ناحیه پولاریزه عبارت از یک مجموعه سلسله مراتبی از یک متروپول و شهرک‌های اطراف و مجموعه‌های تحت نفوذ آن می‌باشد، و مجموعه آنها یک فضای مختلف‌الجنس را تشکیل می‌دهند که در آن قسمت‌های مختلف مکمل همدیگر هستند و عامل تحکیم‌دهنده بین آنها و قطب مسلط روابط بوده - ستایی است که بین آنها و نواحی مجاور وجود دارد. بدین ترتیب یک محل یا یک مجموعه که مبادله مواد تولیدی، سرویس و اطلاعات در بین آنها برقرار است و تراکم داخلی بیشتر از تراکم خارجی است یک ناحیه پولاریزه خوانده می‌شود. ناحیه پولاریزه یک مجموعه کامل است ولی خودگذا نیست، بلکه به صورت یک سیستم عمل می‌کند. ناحیه پولاریزه امروز در مفهوم پیشرفته آن یک ویژگی خاص ناحیه‌ای را جدا از مفهوم جغرافیایی گذشته آن نشان می‌دهد.

در گذشته نواحی پولاریزه فقط با یک نقطه تمرکز مشخص می‌شد، و خود را به مانند یک سازمان ابتدایی تک‌مته‌ای یا تک‌مرکزی در فضای اطراف شهرها نشان می‌داد. نمونه مشخص چنین پولاریزاسیون در شهرهای خاورمیانه به خصوص ایران قابل مشاهده بود.

شهرهای مرکزی نواحی جغرافیایی به طور مستقیم و بدون واسطه با روستاها در ارتباط بوده و هستند و تقریبا" تمام قدرت و تصمیم‌گیریهایی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در اختیار شهر مرکز ناحیه قرار داشت شکل‌پذیری شهرها به نسبت توسعه‌طلبی و جمعیت‌بایی آنها از ناحیه بستگی داشته و شهرها ضمن شکل‌پذیری

جدا از عوامل اقتصادی - اجتماعی، امروز نقش اداری و عوامل قدرت در شکل‌گیری نواحی اهمیت بیشتری دارد و بدون آزمایش عوامل قدرت و بازیهای مربوط به قدرت و تصمیم‌گیری تجزیه و تحلیل ناحیه‌ای هیچ است^۲.

جغرافیدانان امروز باید توجه داشته باشند که ناحیه در درجه اول یک کادر قدرت و تصمیم‌گیری است و یک گستره‌ای از کره زمین است که در نتیجه تصمیم‌گیریهایی اقتصادی سیاسی به وجود آمده است. جالب توجه است که امروز اکثر دولتها با یک نسبت تقریباً متغیر در اطراف شهرهای متروپل و به دنبال آن در اطراف یک پایتخت می‌خواهند یک مجموعه متمرکز یا پولاریزه سازند.

۳- تجربه‌های علمی و ملموس از یک ثوری در حال تحول:

نقشه‌های شماره ۱-۲ و ۳ دو نمونه از پولاریزاسیون یا شبکه شهری ناحیه‌ای را یکی در مقیاس جهانی و دیگری در مقیاس کشوری نشان می‌دهند. این نقشه‌ها مسائل مربوط به سیستم‌های شبکه ناحیه‌ای با یک مجموعه فضایی و سیر تحولات آنها را به روشنی بازگو می‌کنند. در نقشه مربوط به شهر مونترآل کانادا و سازماندهی فضایی این متروپل در ارتباط با قطبهای شهری ثانوی، نواحی اطراف شهری و روستایی ترسیم شده است. در این مجموعه فضایی با سیستم شبکه ناحیه‌ای همان طور که ذکر شد شهر مرکزی یا متروپل ناحیه با یک قدرت پولاریزاسیون قوی در سطح ناحیه‌ای و در سطح کشوری مجموعه‌ای از فضای اطراف شهری و شبکه‌ای از قطبهای شهری ثانوی را در قوه جاذبه خود نگهداشته است. شهر متروپل ضمن این که به یک قطب اصلی مرکزی و نقطه ثقل ناحیه‌ای تبدیل شده و نقش محوری را بازی می‌کند اجزای تشکیل دهنده دیگر سیستم را با حفظ نقش هریک از آنها در داخل مجموعه و در ارتباط با همدیگر حفظ کرده است.

در جهت تعیین و آزمایش مطالب عنوان شده نقشه‌های شماره ۲ و ۳ از دو قلمرو جغرافیایی متفاوت در ایران ترسیم شده است.

در نقشه ۲ منطقه آذربایجان در طول ۴ سرشماری مورد آزمایش قرار گرفته است. سرشماری سال ۱۳۳۵ و اطلاعات قبل از آن نشان می‌دهد که چگونه شهرستانهای

این منطقه هرکدام به صورت یک ناحیه مستقل عمل می‌کردند و مرکز شهرستان تنها شهر مرکزی و منطقه شهری بدون سلسله مراتب، جوامع انسانی را در حوزه نفوذ خود نگهداشته و یک پولاریزاسیون قوی روی فضای پیرامونی خود داشته‌اند، که در ارتباط با هریک از شهرها و حوزه نفوذ اهمیت ارزش آنها تعیین می‌شده است. نقش شهری چیزی جز روستا نیست و موجودیت آنها اساساً ناشی از حوزه نفوذ آنها بوده است و از این حوزه نفوذ بود که شهر قسمت اعظم نیروی محرک برای رشد و توسعه اقتصادی و نیز ویژگیهای اجتماعی و سیاسی خود را دریافت می‌داشت. نظام روابط شهر و روستا اکثراً به علت عدم وجود شبکه منظم جوامع انسانی بدون نقش میانی شهرهای کوچک و متوسط پایدریزی شده است و تمام روستاها مستقیماً و به صورت زنجیره‌ای با مرکز شهرستان در ارتباط بوده‌اند^۳. در این میان فقط شهر تبریز از زمانهای قدیم نقش به اصطلاح متروپل ناحیه‌ای را بازی می‌کرده است که پس از مدتی با تقسیم آذربایجان به دو استان شرقی و غربی، شهر ارومیه به صورت قطب دوم نشو و نما می‌نماید.

با گذشت زمان و به دنبال تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران نقاط شهری رو به افزایش می‌گذارند و به طوری که سرشماریهایی دیگر نشان می‌دهند به تدریج نقاط کوچک شهری در اطراف تنها مرکز شهرستان و استان ظاهر می‌گردند و بخشی از ارتباط متقابل شهرهای متوسط و مراکز شهرستان با روستاهای اطراف از طریق نقاط کوچک شهری انجام می‌گیرد. بدین ترتیب در طول سه دهه و با توجه به کل تغییرات در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در سطح ملی حاصل شده است ضمن تغییر روابط شهر و روستا و تغییراتی که در عملکردهای گوناگون شهرها حاصل شده نظام شبکه شهری ناحیه‌ای پایه‌ریزی می‌گردد.

در مقیاس محدودتر نقشه شماره ۳ از منطقه کرمان ترسیم شده است که با تفاوتهایی جزئی از نظر تعداد شهر و تعداد جمعیت همان تغییراتی را که در سطح منطقه آذربایجان ذکر شد نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن این که منطقه آذربایجان یک مرکز جمعیتی نسبتاً متراکم با ویژگیهای خاص پراکندگی جوامع انسانی و بنیادهای تشکیلاتی درونی لازم برای پیدایش نقاط شهری نسبتاً پرجمعیت می‌باشد در صورتی که کرمان صرفاً به دنبال تحولات بیرونی و تغییرات اجتماعی - اقتصادی

نقاط شهری آذربایجان در سال ۱۳۳۵



نقاط شهری آذربایجان در سال ۱۳۵۵



نقاط شهری آذربایجان در سال ۱۳۴۵



نقاط شهری آذربایجان در سال ۱۳۶۵



مرکز شهرستان

● مرکز شهرستان

●	< ۵۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۵۰,۰۰۰ تا ۱۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۱۰۰,۰۰۰ تا ۲۵۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۲۵۰,۰۰۰ تا ۵۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۵۰۰,۰۰۰ تا ۱,۰۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۱,۰۰۰,۰۰۰ تا ۲,۵۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۲,۵۰۰,۰۰۰ تا ۵,۰۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۵,۰۰۰,۰۰۰ تا ۷,۵۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۷,۵۰۰,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان

مرکز شهرستان

● مرکز شهرستان

●	< ۵۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۵۰,۰۰۰ تا ۱۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۱۰۰,۰۰۰ تا ۲۵۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۲۵۰,۰۰۰ تا ۵۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۵۰۰,۰۰۰ تا ۱,۰۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۱,۰۰۰,۰۰۰ تا ۲,۵۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۲,۵۰۰,۰۰۰ تا ۵,۰۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۵,۰۰۰,۰۰۰ تا ۷,۵۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان
●	۷,۵۰۰,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰,۰۰۰	مرکز شهرستان

نقشه شماره ۲



نقاط شهری استان کرمان در سال ۱۳۶۵



نقاط شهری و مراکز شهرستان کرمان در سرشماری سال ۱۳۴۵



راهنما

	مرز استان
	مرز شهرستان
	مرکز شهرستان
	مرکز شهرستان - کمتر از ۵۰۰۰۰
	۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰
	۱۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰
	۲۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰
	۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰
	۱۰۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰۰
	۲۵۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰
	۵۰۰۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰۰۰

مقیاس تقریبی:

۵۰ ۱۰۰ ۱۵۰

کیلومتر

نقشه شماره ۳

در سطح ملی به این تفسیر دست یافته است.^۲

۴-۴- سرزمین در مفاهیم ایدئولوژیکی:

اسلام (دارالاسلام - دارالحرب) ، سرمایه داری ، سوسیالیستی در اکثر موارد مفهوم سرزمین در به وجود آوردن دولتها و سپس دولتها در بوجود آوردن سرزمین ملی نقش حیاتی دارند . بعضی مواقع منطق سرزمین از محدوده دولتها نیز تجاوز می کند چون ممکن است روابط اقتصادی - اجتماعی در بین آنها قدیمی تر باشد ، یا مرزها یک ناحیه فرهنگی را به دو قسمت تقسیم کرده باشد .

نتیجه این که منطق سرزمین با تعلق به یک سرزمین باعث به وجود آمدن دولتها و قدرتها شده است و محدوده های سیاسی خاصی را به وجود آورده که در مجموع به یک قلمرو ملی ، منطقه ای و ناحیه ای شخصیت و اعتبار می بخشد . اصولاً با گذشت زمان و به دنبال تحولات عمیق اجتماعی - اقتصادی که در درون یک سرزمین در مفاهیم مختلف حاصل می گردد ، مفاهیم در مرزهای عملکردی آنها تغییر می کند ولی نمی توان ادعا نمود که معیارهای درونی ناسیون با ملت تصفیه می گردد . ولی ممکن است به محدودیت مفهوم و منطق سرزمین منجر گردد ، همان طور که اروپا علیه رقابت مبارزات زیاد برای تحلیف سرزمینهای ملی - حکومتی ، که هنوز هم ادامه دارد ، فکر تشکیل اروپای متحد را حداقل از نظر اقتصادی با توجه به کلیه تحولات جهانی از نظر دور نداشته و تلاش می کند که تا سال ۱۹۹۳ آن را جامه عمل بپوشاند .

ج: تحول در تفکر و تجزیه و تحلیل های ناحیه ای:

نمره طرز تفکر به روش و سبک گذشته به عنوان یک نمودار اساسی و بنیادی ، ما را از توجه به سایر نمودارهای فضایی و بررسی روابط آنها و جایگزینی پدیده ها در داخل یک سیستم به هم پیوسته بازمی دارد امروز باید پژوهشهای ناحیه ای اساسی ترین و شاید بیشترین نیازهای برنامه ریزی فیزیکی در سطح ملی و ناحیه ای را برطرف سازد و در زمینه توسعه اجتماعی - اقتصادی ناحیه به حل مسائل و مشکلات توفیق یابد و با آینده نگری همراه باشد .

اکنون واژه ناحیه با از دست دادن معنای سیاسی و گسترده مشخص اولیه خود نماینده قلمرو فضایی مجموعه ای است که مشخصه های آن توسط صنعت با مفهوم و عملکردی نیرومند و روابط مالی در حد اعلامی خود تعیین می گردد .

اهمیت ندادن جغرافیدانها در مطالعات عمومی و ناحیه ای جغرافیا به مسائل تفویج یا سعی در احتراز و دوری از هرگونه بحث وجدلی که کار را به مسائل تفویج بکشاند همراه بوده است^۶ . و نظریه جبرگرافی بر طبق آن که داده های طبیعی تأثیری مستقیم و تعیین کننده بر افعال و اعمال بشری بر جای می گذارد بر این مطالعات

۴-۵- منطق ایالتی - ولایتی یا تعلق به یک سرزمین ملی - منطقه ای ، ایدئولوژیکی:

وجود سرزمین یک واقعیتی است که باعث شده گره زمین حتی در شرایط فعلی به قسمتهای مختلف سیاسی ، زبانی ، قومی ، نژادی و فیره تقسیم گردد ، که در اکثر موارد یک دولت مستقل برای هر یک از آنها وجود دارد .

مفهوم سرزمین عبارت از گستره ای از گره زمین است که به یک امپراطوری ، حکومت ، ایالت ، یک شهر یا یک قلمرو تاریخی بستگی داشته باشد ، اصولاً دولت و سرزمین کاملاً به همدیگر مربوط هستند ، وظیفه دولت حفظ سرزمین ملی ، حفظ تمامیت ارضی و گسترش احتمالی آن است . روی یک سرزمین یک قدرت اعمال نظر می کند و سرزمین میدان اعمال قدرت است^۵ . دولت یک عامل قوی در تقسیم بندی به طور کلی و به صورت سلسله مراتبی ، به وسیله سازماندهی اداری داخلی در درون سرزمین است و اصولاً همان کردن حقوق ها ، عملکردها ، تعلیم و تربیت و یک نظم اجتماعی - فرهنگی به مبداء دولت است .

مفهوم دیگر از سرزمین توسط اکولوژیست ها به وجود آمده و آن حفظ روابط موجودات در یک گستره از گره زمین با انسانهای ساکن آن سرزمین می باشد . به طور کلی کلمه سرزمین تحت نظامهای زیر مفهوم پیدا می کند:

۴-۱- در یک فرم و نظام اجتماعی:

سرزمین اجتماعی با یک فضای مشخصی از عملکرد اجتماعی یک سری آداب ، رسوم و سنن اجتماعی و با یک طبقه اجتماعی شخصیت پیدا می کند . یک سرزمین به مانند فضایی است که از نظر اجتماعی برای یک زندگی و برای حفظ یک سیستم انتخاب شده است .

۴-۲- سرزمین در مفاهیم ملی - ناسیون:

با یک ملت واحد ، مثل ایران ، عرب ، ترک .

۴-۳- سرزمین در مفاهیم زبانی - قومی:

فارسی ، کردی ، عربی ، باسک .

سایه افکنده بود. در صورتی که امروز باید به نقش سیاسی و ایدئولوژیکی توجه داشت. نظم فضایی که در جریان اعمال سیاست و سرمایه‌گذاری در هر حکومتی بنیان نهاده می‌شود، مظهر و نمودی از تفکر و اندیشه فلسفی و ایدئولوژیکی آن نظام را منعکس می‌کند.^۷ مجموعه مطالعات تفویک به عنوان ابزار ادراکی و وسیله روشن کردن مسائل و تجزیه و تحلیل ناحیه‌ای امروزه از اهم مسائلی است که در پژوهش‌های ناحیه‌ای باید مورد استفاده قرار گیرد.

همان طور که تجزیه و تحلیلها و دانش تفویک برای درک ساختارهای نظام سرمایه‌داری و فیرره ضروری می‌نماید، به همین دلیل ملیرغم مخالفت بخشی از طبقات حاکم، اندیشمندان به فضا، به خصوص فضای دیفرانسیل با فضایی که در طول زمان به دلیل تغییر در تفکرات، اندیشه و ایدئولوژیهای انسانی دائماً و با سرعت داف‌التزاید در حال تغییر است، ضروری می‌نماید.

نتیجه این که امروز در مطالعات، پژوهشها و برنامه‌ریزیهای ناحیه‌ای مکانیزم تصمیم‌گیریها سهم به سزایی دارند و سازماندهی فضایی جهت‌گیری پایه‌های استعداد ناحیه‌ای را در جهت هدفهای ایدئولوژیکی تعیین و مشخص می‌نماید، هر عامل ناحیه‌ای یگه معنای مخصوص در زمان حاضر، گذشته و آینده پیدا می‌نماید و ارزش هر یگه از عوامل تشکیل‌دهنده مناحیه در هر مرحله قابل تغییر است. و بالاخره مجموعه عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در یگه مجموعه فضایی در ارتباط با مجموعه‌های فضایی دیگر باید مورد توجه قرار گیرد.

بازنگری و نتیجه:

پژوهش‌های ناحیه‌ای جزو لاینجزای علم جغرافیا به شمار می‌رود. جغرافیا از شناخت نواحی مختلف و قلمروهای محیط زیست انسانی آغاز شده و مبانی و قوانین آن بر مبنای همین آگاهیها عمومیت یافته و بالاخره به نواحی بازمی‌گردد. تحولات نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به تحول در نوع معیشت و بالاخره در محیط زیست انسانی و بالمال به صورت پدیده‌های مختلف و با انعکاسی از مجموعه عملکردهای انسانی در سطح کره زمین ظاهر می‌گردد. بدین شکل نظم خاصی از آرایش و سازمان‌یابی در گستره‌ای از کره زمین حاصل می‌شود که با سیما و منظر گذشته متفاوت و از نظر روابط تشکیلات درونی نسبت به گذشته متحول و دگرگون گشته است. آنچه که در گذشته با یک مجموعه نسبتاً همگن و گاهی مختلف‌الجنس ولی بایک سری وحدت از نواحی اطراف خود مشخص می‌شد، و نقاط ثقل این مجموعه‌ها به عنوان مرکز تشکیلات ارگانیک منبعت از مجموعه فضایی بدون توجه به نقش و عملکرد اجرایی آن یک حرکت متقابل به مرکز را به وجود آورده بودند، و بالاخره در یک جریان نسبتاً مستقل بدون وابستگی بنیادی به مجموعه‌های دیگر و سلسله مراتب پراکندگی

جوامع انسانی در یک حالت کم و بیش بسته و پولاریزه سازماندهی شده بود، امروز مفهوم فضایی خود را در یک شبکه تشکیلاتی درهم پیچیده به صورت یک سیستم ناحیه‌ای که هر یک از اجزای آن نقش خاصی را در داخل آن سیستم بازی می‌کنند نشان می‌دهد. نقطه ثقل یا مرکز تشکیلات با حفظ قدرت و اعتبار بیشتر نقش محوری در داخل این سیستم بر عهده دارد، که در ارتباط با مراکز قدرت و تصمیم‌گیری نقش اصلی سازماندهی فضایی را به خود اختصاص داده است. عدم تعادل ناحیه‌ای با پیدایش هسته‌های ثانوی و بالاخره پیدایش یک شبکه شهری ناحیه‌ای روز به روز به حداقل می‌رسد.

الگوهای مطالعاتی و پژوهشی از توجه به یک نمودار فضایی به صورت توصیفی و جایگزینی اجزای ارگانیک بدون توجه به روابط آنها خارج شده و نگرش سیستمی در داخل یک سازمان به هم پیوسته و روابطی که در سطوح و مقیاسهای مختلف عمل می‌کنند، جایگزین آن می‌گردد. توجه به بنیادهای اجتماعی - اقتصادی در داخل یک نظام تصمیم‌گیری با هدفها و ایدئولوژیهای خاص و آینده‌نگری، اساسی پژوهشها را در داخل این سیستم تشکیل می‌دهد.

یادداشتها

۱- اصغر نظریان: سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران، مجموعه مقالات سمینار جغرافیای مشهد، شماره (۱)، ۱۳۶۴.

2- G. MASSIAB, J. F. TRIBILLON: *Villes en développement, Decouverte. Paris 1988, PP. 74-97.*

۳- فرخ حسامیان، گیتی اعتماد - حائری: شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه ۱۳۶۳ (بخش شبکه شهری ایران).

۴- شناسنامه شهرهای کشور جلد ۵ - ۶ و ۱۰، مرکز آمار ایران ۱۳۶۴.

۵- مارتانه استانبای آذربایجان شرقی و غربی و کرمان در سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران.

۶- آمار خصوصیات عمده جمعیتی شهرهای کشور - براساس سرشماری سال ۶۵، مرکز آمار ایران ۱۳۶۷.

5- P. G. PINCHENEL, OP. *Cite, P. 405.*

۷- ایولاگوست: مأخذ قبلی، صفحه ۷۴.

۸- دکتر حسین شگویی: جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴، صفحه ۱۰۴.